

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای و منزلت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی

محمود رضا صنم‌زاده^۱

چکیده

بیداری اسلامی مهجوریت‌زدایی از دین یا بازپیرایی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشسته است. از سوی دیگر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) با احیای نظریه‌ی «ولایت فقیه» و سیاست استکبارستیزی را می‌توان نقطه اوج این بیداری دانست. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز به عنوان زعیم انقلاب، خود صاحب مبانی نظری و دیدگاه‌های نوینی در باب بیداری اسلامی می‌باشند. لذا این مقاله در تلاش است تا با روش توصیفی و با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب، ضمن ارائه مقدماتی، به این سؤال بپردازد که انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن امام خمینی (ره) در منظومه فکری و نظریه بیداری اسلامی ایشان، دارای چه جایگاه و نقشی است؟

از نتایج این مقاله این است که امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی از مؤلفه‌های اصلی بیداری اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای بوده و ایشان امام (ره) را «بهترین

۱. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام





شاخص» و «کوثری الهی» می نامند که آغازگر جریان بیداری اسلامی بودند. رهبر انقلاب به امام خمینی (ره) به منزله یک «اسوه» می نگرند که «عمل احسن» برای همه مصلحان و بیدارگران، پیروی از ایشان در عمل و نظر است. و از طرف دیگر ویژگی هایی را در مورد انقلاب اسلامی که در ارتباط با بیداری اسلامی قرار می گیرد از جمله استقامت و ایستادگی، مردم سالاری، عدالت اجتماعی، استکبارستیزی و... را برمی شمردند.

کلیدواژه ها: امام خمینی (ره)، آیت الله خامنه ای، انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران آغاز موج و حرکتی بود که از آن به بیداری اسلامی تعبیر شده است. موج بیداری اسلامی که امروزه شمال آفریقا و کشورهای خاورمیانه را در نور دیده، پیامد و میراث انقلاب اسلامی ایران است که از ۳۴ سال پیش به رهبری امام خمینی (ره) به یادگار مانده است. رهبری که تأثیرش بر مسلمانان از جنبه دینی و اسلامی کم نظیر است؛ به حدی که در دنیای اسلام و جهان غرب قرن هاست که شخصیتی چون ایشان را نمی بینیم که تا این اندازه نهضت، افکار و عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان فراگیر و تأثیرگذار باشد.^۱ از سوی دیگر زندگی بدون تجمل و آمیخته با تقوا و اخلاق اسلامی ناب ایشان تأثیرات فراوانی بر مردم گذاشت، به گونه ای که انسان های بسیاری را به حرکت بر ضد ظلم و ستم واداشت. امام خمینی (ره) تنها به امت و تمدن اسلامی و نجات آن از گمراهی و عقب ماندگی مادی و معنوی نمی اندیشید، بلکه در فکر نجات همه ملت ها و تمدن ها بود. پیام ایشان به پاپ و گورباچف گویای دغدغه انسانی و الهی وی در نجات انسان ها و فرهنگ هایی بود که از مسیر هدایت بشری خارج شده بودند.^۲ البته که امام خمینی (ره) تأثیرات شگرفی در سطوح و ساحات گوناگون حیات بشری داشتند ولی بهره گیری از دین و محوریت آن در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب را بایستی مهمترین تأثیر ایشان و انقلاب اسلامی بر دیگر مسلمانان و جنبش گران و بیداری خواهان عالم برشمرد. در حالی که پیش از آن در فضای جهانی آکنده از لیبرالیسم و کمونیسم - با محوریت دین زدایی از ساحات حیات بشری - کمتر کسی به توانایی دین در تحول آفرینی و پدیدآوری انقلاب ایمان داشت.^۳

با توجه به مطالب فوق و آثار انقلاب اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره) و با مهبیا

۱. منوچهر محمدی، *انقلاب اسلامی*، زمینه ها و پیامدها، ۱۳۸۷، ص ۴۵.

۲. حمید پارسانیا، *حدیث پیمانه*، قم، معارف، ص ۳۷۶.

۳. منوچهر محمدی، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۲.

امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی از مؤلفه‌های اصلی بیداری اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای بوده و ایشان امام (ره) را «بهترین شاخص» و «کوثری الهی» می‌نامند که آغازگر جریان بیداری اسلامی بودند

شدن برخی شرایط - که در ادامه به آن خواهیم پرداخت - موج بیداری اسلامی در سال ۱۳۸۹ از تونس شروع شد و سراسر خاورمیانه عربی و شمال آفریقا را فراگرفت. این موج بیداری اسلامی که همچنان ادامه دارد سبب‌ساز دگرگونی‌های عمیقی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی گردید. همچنین نظریه بیداری اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای سرلوحه مناسبی برای وحدت اسلامی و به عنوان منشور مبارزاتی و وحدت‌بخش جهان اسلام تلقی می‌شود.

حال باید دید که انقلاب اسلامی و رهبر کبیر آن امام خمینی (ره) در منظومه فکری و نظریه بیداری اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی دارای چه جایگاه و نقشی است.

تعریف بیداری اسلامی

بیداری (یقظه)، ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود و بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است؛ به بیان دیگر در معنای تجدید حیات اسلام که در کالبد فرد و جامعه به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های خداوند، بار دیگر زنده شده و حیاتی دوباره می‌یابد.^۱

در تعریف دیگر می‌توان بیداری اسلامی را توجه و خواست ملت‌های مسلمان برای بازگشت به روش زندگی در فرهنگ اسلامی دانست. میل بازگشت به مبانی و اصول اسلامی، اکتفا نکردن به دین به عنوان یک مسلک اخلاقی صرف و ورود دین به عرصه سیاست و اداره جامعه و در یک کلام، حاکم کردن اسلام بر همه شئون زندگی است.^۲ به عبارت دیگر بیداری اسلامی تحولی است حاصل از دمیدن آگاهی و اراده در کالبد به خواب‌رفته انسان‌ها و جامعه، به منظور حرکت ارادی و آگاهانه آن در مسیر کمالات فطری خویش در چارچوب نظم و نظام اسلامی که نتیجه آن، احیا و بازیابی هویت

۱. مرتضی شیرودی، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۰، ص ۵.

<http://www.rasekhoon.net/article/show-28627.aspx>

۲. مهدی یزدان‌پناه، «مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی»، تهران، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۰، ص ۱۹.





فردی و جمعی، یعنی شناخت هویت مسلمانی، بازگشت به هویت جمعی واحد خویش و دارالاسلام است.^۱ و از این رو می‌توان گفت اگر خواب برادر مرگ است، بیداری دست در آغوش زندگی دارد. پس «بیداری اسلامی» اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی‌بخش اسلام)، عمل سیاسی (اقدام برای تغییر شرایط موجود جهت نیل به وضع مطلوب) و بر بنیاد اسلام‌خواهی (مبنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی) با هدف استقرار نوعی نظام سیاسی است که برآمده از مبانی و مبادی معرفتی - هویتی اصیل دینی باشد. آنچه در خصوص بیداری اسلامی نباید نادیده انگاشته شود، نقش بی‌بدیل «مؤلفه‌ها و منابع فکری» است که بر برتری معارف دینی در قیاس با تأثیرات صرفاً اقتصادی، سیاسی، و ... اشاره دارد. از این منظر «بیداری اسلامی» وجهی فراملی (و در واقع جهانی) دارد که آن را پدیده‌ای جهان‌گرایانه معرفی می‌نماید.^۲

ریشه‌ها و عوامل بیداری اسلامی

بیداری اسلامی به عنوان پدیده‌ای متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر حاضر، در قالب جنبش اجتماعی، سازمانی و نهادهای نظامی مدعی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانده است، می‌رود تا به قدرت بلامنازع نقش‌آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. در ظهور، قوام و توسعه پدیده بیداری اسلامی زمینه‌ها و عواملی چند دخیل بوده‌اند که به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ورود نسل جدید با ویژگی‌های انقلابی به عرصه منازعات که فهم ریشه‌ای و واقعی‌تری از علل عقب‌افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خود به ویژه در حوزه فکر و فرهنگ دارند؛

۲. توجه به وحدت دینی و بن‌مایه‌های ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرت‌های خصم و استکبار برای ایجاد گسست در جهان اسلام؛

۳. حوادث بیدارکننده منطقه‌ای و جهانی از جمله بحران فلسطین، حوادث ۱۱ سپتامبر، اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب به محوریت امریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می‌شود، آثار چشمگیری بر بیداری اسلامی دارند؛

۱. محمد نواب، «امت در حرکت»، سوره، ۱۳۸۵، ش ۲۷، ص ۶۳.

۲. اصغر افتخاری، بیداری/اسلامی در نظرو عمل، تهران، امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۲۹.

۴. رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکامل شیوه‌های تبلیغ اسلام؛

۵. عدم آزادی سیاسی؛

۶. وخامت اوضاع اقتصادی؛

۷. افزایش نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۸. انقلاب اسلامی که عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است. عوامل ذکرشده در مرتبه کارکرد خود معلول علت‌العلی به عنوان انقلاب اسلامی هستند که در سال ۱۹۷۹ در یک حرکت متکی به اراده عمومی، تمامی زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و امنیتی کشورهای هژمون و عوامل مستبد وابسته به آنها را دگرگون کرد و در یک زایش تاریخی، الگویی مقتدر و هوشمند با مدیریت کارآمد را به جریان‌ها و اذهان منتظر ارائه کرد.^۱

منزلت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در نگاه بیداری اسلامی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

۱. حضرت امام خمینی

یکی از مؤلفه‌هایی که در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نقشی محوری و کلیدی در جریان بیداری اسلامی دارد، حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد. به واقع، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به بنیانگذار انقلاب اسلامی به منزله یک «اسوه» می‌نگرند که «عمل احسن» برای همه مصلحان و بیدارگران، پیروی از ایشان در عمل و نظر است و رسالت اصلی خویش را تداوم و تعالی راهی می‌دانند که آغازگرش امام (ره) بود. ایشان، امام (ره) را «بهترین شاخص» و «کوثری الهی» می‌نامند^۲ که آغازگر جریان بیداری اسلامی بودند:

این فرزند گرامی و عالیقدر هم، خود یک کوثر شد؛ کوثر روح‌اللهی. یک نفر یک تنه وارد میدان شد؛ با جاذبه‌های عظیمی که خدای متعال به برکت خصوصیات ذاتی و اکتسابی در او قرار داده بود، دل‌ها را مجذوب خود کرد؛ دست‌ها و پاها را به حرکت وادار کرد؛ مغزها را به اندیشیدن انداخت و این حرکت عظیم را در اینجا، و نهضت عظیم جهانی و بیداری اسلامی را در دنیا به وجود آورد... بعد از این، راه امام و حکمت امام و

۱. غلامرضا خواجه سروی، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۸، ۱۳۹۱، ص ۹۹-۱۰۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴.





مکتب امام و تفکر امام، در دنیا نقش‌ها خواهد آفرید و نسل‌ها آن را آزمایش خواهند کرد.^۱

بیداری اسلامی به پرچمی می‌ماند که توسط امام (ره) برافراشته شد:

در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیای اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو پرچم برافراشته به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت یک بعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگر چه مربوط به امت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه عملی از تحرک حیات‌بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز است. چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه عملی بیداری اسلام و تحقق اسلام بود.^۲

تفاوت امام با مصلحان دیگر از منظر رهبر انقلاب

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، حضرت امام (ره) با مصلحان و بیدارگران دیگر تفاوت اساسی دارد؛ چرا که مصلحان پرچم دعوت اسلامی را به دوش گرفتند نه انقلاب اسلامی را: مصلحان اسلامی و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته، تحت تأثیر عوامل گوناگون قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی را احیا و تفکر اسلامی را بر دوش گرفتند - از قبیل سیدجمال‌الدین و محمد اقبال و دیگران - با همه خدمات ارجمند و گرانبهایشان، همگی این نقص بزرگ را در کار خود داشتند که به جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، به یک دعوت اسلامی اکتفا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را نه با قوت و قدرت انقلاب، که با تلاش روشنفکرانه و فقط با ابزار قلم و زبان جست‌وجو کردند. این شیوه، البته ممدوح و مأجور بوده و هست؛ اما هرگز از آن، توقع نتایجی همچون نتیجه عمل پیامبران اولوالعزم را -

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۷/۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۳/۱۴.



بیداری اسلامی تحولی است حاصل از دمیدن آگاهی و اراده در کالبد به خواب رفته انسان‌ها و جامعه، به منظور حرکت ارادی و آگاهانه آن در مسیر کمالات فطری خویش در چارچوب نظم و نظام اسلامی که نتیجه آن، احیا و بازیابی هویت فردی و جمعی، یعنی شناخت هویت مسلمانی، بازگشت به هویت جمعی واحد خویش و دارالاسلام است

که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده‌اند - نباید داشت. کار آنان، در صورت صحت و مبرا ماندن از عیوب سیاسی و نفسانی، تنها می‌توانست زمینه‌ساز یک حرکت انقلابی باشد و نه بیشتر. و لذا مشاهده می‌شود که سعی و تلاش بی‌حد و حصر مخلصان این گروه، هرگز نتوانسته حرکت معکوس و رو به انحطاط ملل مسلمان را متوقف کند، یا عزت و عظمتی

را که آنان از آن نام می‌آورده و در آرزویش آه و اشک می‌افشانده‌اند، به مسلمانان برگرداند یا حتی اعتقاد و باور اسلامی را در توده‌های مردم مسلمان تقویت کرده و نیروی آنان را در خدمت آن به کار گیرد. یا دامنه جغرافیایی اسلام را گسترش دهد. و این، به کلی از روش پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) جدا است و این بر هر کس که اندکی تاریخ بعثت و هجرت رسول معظم (ص) را بداند، آشکار است.^۱

لذا از این منظر، امام (ره) را یک استثنا در تاریخ دانسته که دست به انقلابی بی‌نظیر زد: حقیقتاً امام بزرگوار ما یک استثنا در تاریخ ما و یک قله بلند در حرکت ملت ایران بود... بزرگانی مثل مرحوم سید جمال و تحول‌خواهانی که در کشور ما یا حتی در جهان اسلام بودند، کجا! این مرد چند بعدی عمیق حقیقتاً توصیف‌ناشدنی کجا.^۲

۲. انقلاب اسلامی

گذشت ماه‌ها از جریان بیداری اسلامی ملت‌های منطقه و تحولات بیدارساز در کشورهای عربی، در خطر قرار گرفتن و سقوط دیکتاتوری‌های دست‌نشانده غربی را در خاورمیانه به دنبال داشته است. از این رو، آنچه بیش از پیش واقعیت این جریان‌ها را آشکار می‌سازد، اعتراف و اظهار نظر سران کشورهای غربی در خصوص سیر حرکت

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۳/۱۰.



این تحولات و جنس خیزش و جنبش‌های اخیر مردم منطقه است؛ واقعیتی که روند الگوسازی انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری مردم مسلمان کشورهای منطقه از الگوی توانمندی تحت عنوان جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد؛ موضوعی که در ابتدای شکل‌گیری خیزش‌های اخیر مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا، توسط رسانه‌های وابسته غربی به گونه‌ای دیگر تعبیر و تفسیر می‌شد. اما آنچه امروز از اظهارنظرهای ضد و نقیض و دوپهلوی سران غرب به ویژه امریکا و اسراییل می‌توان برداشت کرد، اعتراف به شکست و پذیرش الگوپذیری خیزش‌های کشورهای منطقه از انقلاب اسلامی است. تحولات منطقه، کشورهای غربی به ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی را دچار تناقض و سردرگمی کرده، به گونه‌ای که کشورهای غربی با توجه به خیزش و موج بیداری مردم منطقه آن چنان قافیه را باخته‌اند که اگر تا چندی پیش طرح خاورمیانه جدید با مختصات امریکایی - صهیونیستی را دنبال می‌کردند، امروز رسانه‌ها و تحلیل‌گران امریکایی بر شکل‌گیری خاورمیانه جدید با مختصات اسلامی و نه امریکایی اعتراف داشته و از این مسئله به شدت نگران و هراسان بوده و با پذیرش شکست، تأثیرپذیری حرکت‌های منطقه از انقلاب اسلامی را اعتراف می‌کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای، سکندار فرهیخته انقلاب اسلامی، علت این تأثیرگذاری را ناشی از «پیام انقلاب» می‌دانند: «پیام بزرگ انقلاب ما، احیای هویت اسلامی در ملت‌های مسلمان بود.»^۱ و معتقد هستند جریان بیداری اسلامی مدیون انقلاب است: «امروز بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، موهون انقلاب اسلامی است.»^۲

این تأثیر به حدی بوده که می‌تواند به تشکیل نظام سیاسی منجر شود و از سطح نهضت خارج گردد:

در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، به برکت همین احساس هویت و بیداری اسلامی که این انقلاب به وجود آورد، امروز جمعیت‌های اسلامی حضور دارند و قوی‌اند و برای خودشان آینده دارند. اگر بگذارند، احتمال دارد دولت هم تشکیل دهند.

این تأثیر در بعد استکبارستیزی شدیدتر بوده و سبب خشم استکبار جهانی از این جریان و ایران شده است: «این جمعیت‌ها، مخالفان و دشمنان اسلام را تهدید می‌کنند؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۳/۱۳۷۴.

۲. همان.



امریکا را دشمن می‌شمارند، دشمنان اسلام را دشمن می‌شمارند.^۱ در واقع «احیای هویت اسلامی» آن کانون اصلی است که به استکبار ضربه زد و توانست کشورهای اسلامی را به واکنش در برابر ظلم مستکبران جهانی، وادارد: این موضوع، بیشتر از همه چیز استکبار جهانی را خشمگین می‌کند. البته وقتی آمریکایی‌ها با همدستانشان، یا شبکه صهیونیستی خبرگزاری‌ها و روزنامه‌نگاران دنیا، می‌خواهند علیه انقلاب و ملت ایران قلمفرسایی کنند یا حرف بزنند، تهمت‌هایی را ردیف می‌کنند و می‌گویند: شما ضد حقوق بشرید، حقوق زن را رعایت نمی‌کنید، می‌خواهید سلاح اتمی درست کنید و غیره. اما این‌ها ظاهری است؛ بهانه است. باطن قضیه این نیست. باطن قضیه همین موضوعی است که عرض کردم. این‌ها می‌گویند شما چرا موجب شده‌اید که در دنیا هر جا مسلمانی هست، احساس هویت کند، بیدار شود، طلبکار شود و از حالت بره‌ای مطیع و رام و زیرکارد بیرون آید؟ انقلاب اسلامی چنین تحول عظیمی را در شخصیت و روح و وجود مسلمانان در همه عالم به وجود آورده است و باید به وجود بیاورد و این را هم خبر داریم که آن‌ها از این موضوع به شدت عصبانی‌اند.^۲

به عنوان مثال، پروفیسور راینهارد لو، مدیر انستیتوی پژوهش‌های فلسفی در هاننور آلمان در کتابی که خلاصه مباحث سی نفر از متخصصان اسلامی، علمای الهیات مسیحی و فیلسوفان را در سمینار «اسلام و مسیحیت در اروپا ۱۹۹۲» منتشر کرده است، اعتراف می‌کند که «نقش اسلام در بیست سال اخیر قرن ما یک جهش و پیشرفت مهم و در عین حال شگفت‌آفرین پیدا کرده است». وی سپس از اثرگذاری احیای تفکر دینی برخاسته از انقلاب اسلامی در شرق و غرب جهان و حتی بر تمدن غربی سخن می‌گوید و به مسیحیان توصیه می‌کند که اسلام را بهتر بشناسند و با مسلمانان باب گفت‌وگو را بگشایند.^۳

به اعتقاد رهبر انقلاب، شکوفایی نهضت بیداری اسلامی در اثر انقلاب است: امت اسلامی نسیم بیداری را حس کرده و عطر بازگشت به معارف اسلام را بوپیده است. همه این‌ها از آن نهضت عظیمی که شما مردم

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱/۲۰.

۲. همان.

۳. محمدحسین هدی، همان، ص ۴.



به راه انداختید و از آن مرد بزرگ و آسمانی که توانست این اقیانوس را متلاطم و این دل‌ها را آگاه کند - امام راحل عظیم‌الشان - سرچشمه می‌گیرد.^۱

تأثیر بزرگ انقلاب بر جریان بیداری اسلامی، «ایجاد یک فرهنگ» بود که بدین وسیله توانست جریان بیداری اسلامی را در تفکر اسلامی و جهان اسلام، ماندگار کند:

انقلاب اسلامی فقط این نبود که دگرگونی‌ای در داخل کشور ایجاد کند؛ علاوه بر این، یک فرهنگ خلق کرد؛ فرهنگی که در همه کشورهای اسلامی به طور متفاوت - در بعضی کشورها خیلی شدید، در بعضی کشورها با شدت کمتر - اثر خودش را در ذهن‌ها، به خصوص ذهن جوانان و روشنفکران و دانشگاهیان گذاشت. بی‌شک شما از گرایش‌های قشر جوان در کشورهای اسلامی نسبت به انقلاب، امام و ارزش‌های ملت ایران و ایستادگی‌اش مطالبی شنیده‌اید؛ اما یقیناً آنچه شنیده‌اید، به مراتب کمتر از چیزی است که در واقع وجود دارد. در طول این بیست و یکی دو سال، مرور تفکر اسلامی، فکر بیداری اسلامی و بازگشت و تمسک به اسلام، در ذهن‌ها به صورت اندیشه‌ای ماندگار درآمده است.^۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و ویژگی‌های انقلاب اسلامی از منظر بیداری اسلامی ۱. استقامت و ایستادگی

مهمترین این خصوصیات، همین ثبات و استقامت و ایستادگی است. اگر این شد، انقلاب برای دیگران الگو واقع خواهد شد، و ال‌برق‌هایی که یک جایی بزند و خاموش شود، خیلی نمی‌توانند الگوسازی کنند. خیلی نمی‌توانند دیگران را به دنباله‌روی خود تشویق کند. انقلاب ما اینجوری بوده است. انقلاب ما توانسته است الهام‌بخش باشد، الگوساز باشد، و این بر اثر ثبات و استقامت و ایستادگی بر اصول و پایه‌های اصلی است که این انقلاب به وسیله امام اعلام کرد.^۳

حرکت عظیم ملت‌ها در برخی کشورها و بیداری اسلامی در منطقه، قطعاً تأثیرپذیر از حرکت بزرگ اسلامی ملت ایران در ۳۲ سال گذشته بوده و اکنون زمان پایان تدریجی

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۱۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۲.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱/۱۵.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به بنیانگذار انقلاب اسلامی به منزله یک «اسوه» می‌نگرند که «عمل احسن» برای همه مصلحان و بیدارگران، پیروی از ایشان در عمل و نظر است و رسالت اصلی خویش را تداوم و تعالی راهی می‌دانند که آغازگرش امام (ره) بود

دوران قدرت‌ها و سلطه قدرتمندان فرا رسیده است. حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به حرکات عظیم ملت‌ها در برخی کشورها خاطر نشان می‌کنند:

این حرکات دفعی و ناگهانی به وجود نمی‌آیند بلکه نتیجه تراکم خواست‌ها و معرفت‌ها در طول زمان است که اکنون بروز

کرده و ایستادگی ملت ایران، قطعاً در بروز این حرکات نقش عمده داشته است. امروز روزی است که ملت‌ها در خاورمیانه و دنیای اسلام بیدار شده‌اند و زمان پایان دوران سلطه قدرتمندان و افول تدریجی قدرت‌ها فرا رسیده است.^۱

۲. اسلامی بودن

امام از اول گفت انقلاب ما اسلامی است. مبتنی بر اسلام است. در دنیا هو و جنجال زیاد شد؛ گفتند اسلامی بودن با دموکراسی نمی‌سازد، اسلامی بودن ارتجاع است، اسلامی بودن عقبگرد است، احکام اسلام قابل پیاده شدن نیست و چه و چه و چه. یک عده‌ای هم صداهای آن‌ها را در داخل کشور منعکس کردند، کتاب نوشتند، شایعه پخش کردند، برای اینکه جمهوری اسلامی را از پابندی به اسلام وادار به عقب‌نشینی کنند. جمهوری اسلامی ایستاد و تسلیم هوچی‌گری‌ها نشد. بله، ما اسلامی هستیم؛ به این افتخار می‌کنیم و ثابت می‌کنیم که راه نجات بشر این است. جمهوری اسلامی این را با صدای بلند به همه دنیا اعلام کرد.^۲

۳. مردم‌سالاری

امام از اول اعلام کرد که مردم باید نظر بدهند؛ چه در اصل انتخاب جمهوری اسلامی، چه در تدوین قانون اساسی، چه در پذیرش آن قانونی که در مجلس خبرگان تصویب شده بود، چه در انتخاب رئیس‌جمهور، چه در انتخاب مجلس امام ایستاد. ببینید، ۳۲ سال از انقلاب می‌گذرد،

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۱۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.





با محاسبه رفتارندم‌هایی که شده است، ما ۳۲ تا حضور مردم داشتیم - یعنی به طور متوسط سالی یکی - مردم رفتند رأی دادند، انتخاب کردند. انتخاب مردم خیلی مهم است.^۱

۴. عدالت اجتماعی

امام از اول اعلام عدالت کردند. خب، عدالت اجتماعی از همه این کارها سخت‌تر است؛ مسئله سهام عدالت، همین مسکن روستایی، همین هدفمند کردن یارانه‌ها، یک کار بزرگی است.^۲

۵. استکبارستیزی

یکی از روش‌های غلبه مستکبران بر توده مردم و به استضعاف کشیدن آنان، تلقین این مطلب است که توده‌ی مردم بدون تکیه بر ثروتمندان، صاحب‌منصبان و قدرتمندان قادر به ادامه حیات نیستند. تا آنجا که فراعنه، خود را خدای مردم روی زمین و رب مردم معرفی می‌کردند. پیامبران الهی در برابر این سیره مستکبران، همواره در پی زدودن جهل و نادانی از مستضعفان و القای روحیه و اعتماد به نفس و توکل بوده‌اند. لذا از این روست که خداوند نیز در قرآن این تفکر را به مؤمنین القای می‌کند: «ولا تهنوا ولا تحزنوا و أنتم الأعلون ان کنتم مؤمنین».^۳

در عصر ما نیز مستکبران این پندار را بر ملت‌ها تحمیل کرده‌اند که شرق بدون تکیه بر غرب نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، اما امام خمینی (ره) با زدودن این اندیشه از ملت ایران، ثابت کرد که یک ملت می‌تواند بر خود تکیه کند و به پیروزی برسد و این پیروزی و امدار خودباوری و اتکای به نفس است. و در این راستا می‌فرماید:

باید مردم را بیدار کنند. این مردمی که با تبلیغات چند صد ساله به آن‌ها باورانده بودند که نمی‌شود با امریکا یا شوروی مخالفت کرد و هم اکنون هم باور ملت‌های دیگر هست. باید به آن‌ها فهمانده می‌شد؛ بهترین دلیل اینکه امری ممکن است، وقوع اوست و این امر در ایران واقع شد.^۴

انقلاب اسلامی به عنوان چشمه‌ای که از زمین اسلام ناب محمدی جوشیده است، همواره حامی مظلوم و دشمن ظالم بوده است. به عبارتی، جوهره و اساس انقلاب اسلامی

۱. همان.

۲. همان.

۳. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

۴. صحیفه/امام، ج ۱۳، ص ۸۵.



در عصر ما نیز مستکبران این پندار را بر ملت‌ها تحمیل کرده‌اند که شرق بدون تکیه بر غرب نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، اما امام خمینی (ره) باز دودن این اندیشه از ملت ایران، ثابت کرد که یک ملت می‌تواند بر خود تکیه کند و به پیروزی برسد و این پیروزی و امداد خودباوری و اتکای به نفس است

بر پایه نظام سلطه و ستم بنا شده است. آیت‌الله خاмене‌ای در این راستا می‌فرماید: «مادر اصل، انقلابمان را بر پایه شکست سیطره زورگوهای دنیا پایه‌گذاری کرده‌ایم»^۱ و از نخستین روز پیروزی، امپراتوری‌های جهانی را به چالش کشیده و این موضوعی است که اندیشمندان غربی نیز به آن اعتراف می‌کنند. بی‌شک انقلاب اسلامی تنها پدیده سیاسی معاصر است که علم ظلم‌ستیزی و ستم‌سوزی

را در اشکال مختلف مدرن و جهانی آن، وجهه همت خود قرار داد و توانست هیبت و هیمنه پوشالی مستکبران جهانی را بشکند و بذر ترس و دلهره را در دل آن‌ها بکارد.

امروز دستگاه استکبار حقیقتاً با همه وجود، از هیمنه و هیبت این انقلاب عظیم و این ملت بزرگ، خائف و لرزان است... این انقلاب عظیم طوفان‌واری که توانست کاخ‌های ظلم را در دنیا بلرزاند، به حدی به وحشت انداخته است. از اول هم از این انقلاب وحشت داشتند اما خود را تسلا می‌دادند و می‌گفتند این انقلاب باقی نخواهد ماند و از بین خواهد رفت.^۲

غافل از اینکه خودشان از بین می‌روند؛ چنانکه امپراتوری شرق پس از یک دوره حاکمیت طولانی نابود شد و به موزه تاریخ سیاسی پیوست و امپراتوری غرب در شرف اضمحلال و نابود شدن است.

امروز انقلاب اسلامی پس از طی یک دوره درخشان ظلم‌ستیزی، همچنان پرچم مبارزه با استکبار را در دست دارد و به مثابه الگویی برای ملت‌های محروم، پابره‌نه و حقیقت‌جو درآمده است؛ به گونه‌ای که تنها «دولتی که در مقابل زورگویی‌ها و قلدری‌ها، شجاعانه و قاطع ایستاده است، جمهوری اسلامی است. غیر از جمهوری اسلامی و ملت ایران، ملتی را سراغ نداریم که در مقابل زورگویی‌های قلدری‌های عالم، یکپارچه ایستاده باشد... بعضی از کشورهای دیگر تعجب می‌کنند که چگونه ممکن است دولت و کشوری باشد که از قلدری‌های مسلط عالم نترسد و ملاحظه نکند! امروز بحمدالله این نمونه

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۹.



آیت الله خامنه‌ای مردم سالاری دینی را نظام سیاسی می‌داند که در آن حاکمیت به خداوند تعلق دارد و با عقیده و ایمان و عواطف و آرای مردم پیوند خورده است. این مقوله مفهومی ترکیبی از دو جزء مردم سالاری و دینی نمی‌باشد بلکه یک حقیقتی واحد است که مردم سالاری دینی هم در مبانی، هم در شکل و هم در روش اداره حکومت تفاوت‌های اساسی با دموکراسی دارد

در دنیا وجود دارد؛^۱ که با اتکا به پشتوانه عظیم عاشورای حسینی، مرگ سرخ را بر زندگی ذلیلانه ترجیح می‌دهد. انقلاب اسلامی نزدیک به سه دهه است که سینه به سینه مستکبران جهان می‌ساید و آن‌ها را با همه یال و کوپالشان به عقب‌نشینی وامی‌دارد. بی‌شک عواملی که از این انقلاب، بنیانی مرصوص و دژی استوار ساخته است، اینک نیز با شدت بیشتری در کالبد آن جاری است؛ بنابراین باید چشم به روزی دوخت که ضربات این موج کشتی‌شکن، استکبار غرب را نیز، به سرنوشت سلفش دچار کرده و در اقیانوس خشم ملت‌ها غرق نماید.

از این جهت است که آیت الله خامنه‌ای یکی از ویژگی‌های مهم که به انقلاب اسلامی شایستگی الگو شدن برای بیداری جهان اسلام را داد، همین روحیه استکبارستیزی این انقلاب می‌داند و می‌فرماید:

جمهوری اسلامی توانست این کار سخت را با موفقیت انجام دهد. خیلی‌ها بودند از همان اوایل انقلاب، می‌گفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با امریکایی‌ها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم‌ستیزی انقلاب تخطئه شود. این را تشویق می‌کردند. در طول زمان، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با امریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات امریکا در عراق و افغانستان و امثال این‌هاست. معنای این حرف، چشم بستن روی این همه ظلمی است که امریکا در جهان بر ملت‌ها دارد انجام می‌دهد... این ثبات و استقامت، پر زحمت بود؛ اما با برکت بود، رحمت الهی را هم جلب کرد، توجه ملت‌ها را هم جلب کرد.^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۷/۲۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.



حضرت آیت‌الله خاмене‌ای و رهاوردهای انقلاب اسلامی از منظر پیداری اسلامی

بررسی پیامدها و رهاوردهای انقلاب اسلامی به پژوهش‌های مفصل و تحلیل مستقل نیاز دارد که در گنجایش این بحث نیست. این گفتار به طور فشرده به مهمترین دستاوردها و بازتاب‌های انقلاب از منظر آیت‌الله خاмене‌ای می‌پردازد.

۱. اسلام محوری

پیش از انقلاب، نظام حاکم بر کشور، یک نظام اسلام‌ستیز عمقی بود. آن‌ها با ظواهر خیلی کاری نداشتند، اما از لحاظ عمق، حقیقتاً دنبال زدن ریشه‌های ایمان اسلامی مردم بودند... انقلاب آمد درست صد و هشتاد درجه مقابل آن‌ها، اسلام را محور اداره کشور قرار داد، محور مدیریت قرار داد؛ احکام و قوانین اسلامی، معیار و ملاک رد و قبول قوانین کشور و معیار عمل مجریان کشور است.^۱

۲. استقلال سیاسی

مهمترین ویژگی قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمدرضا، چه دستگاه‌های گوناگون، مطیع امریکا بودند... انقلاب آمد استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. یعنی امروز در این دنیای بزرگ، در میان این قدرت‌های بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، اراده او بر اراده مسئولان کشور یا ملت ایران اندک تأثیری دارد. این نکته بخصوص - یعنی ایستادگی، استقلال، عزت سیاسی - بیشترین جذابیت را برای ملت‌ها دارد. اینکه می‌بینید ملت‌ها نسبت به ملت بزرگ ایران احساس احترام می‌کنند، بخش عمده‌اش مربوط به این قسمت است: استقلال سیاسی.^۲

۳. مردم‌سالاری

ایشان در ادامه بیانات فوق، یکی دیگر از رهاوردهای انقلاب اسلامی را مردم‌سالاری ذکر کرده و می‌افزایند: قبل از انقلاب، حکومت سلطنتی بود. نقطه مقابل آن؛ مردم‌سالاری است... در جمهوری اسلامی به برکت انقلاب، حکومت انتخابی است؛ مردم انتخاب می‌کنند؛ مذاق مردم، خواست مردم تعیین‌کننده است. قبل از انقلاب، حکومت، دیکتاتوری

۱. همان.

۲. همان.



امنیتی بود؛ دیکتاتوری سخت و سیاه...^۱

آیت‌الله خامنه‌ای مردم‌سالاری دینی را نظام سیاسی می‌داند که در آن حاکمیت به خداوند تعلق دارد و با عقیده و ایمان و عواطف و آرای مردم پیوند خورده است. این مقوله مفهومی ترکیبی از دو جزء مردم‌سالاری و دینی نمی‌باشد بلکه یک حقیقتی واحد است که مردم‌سالاری دینی هم در مبانی، هم در شکل و هم در روش اداره حکومت تفاوت‌های اساسی با دموکراسی دارد و این تمایز، مردم‌سالاری دینی را ویژه کرده است:

مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلام است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آنکه تحقق حکومت مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست.^۲

بنابر این ایشان حاکمیت را از خداوند می‌داند و مردم را تصمیم‌گیران سرنوشت اداره کشور می‌داند و دخالت مردم در امر حکومت ناشی از حق الهی وی می‌باشد و اعمال مردم‌سالاری دینی از طریق سطوح ولایت که ولایت الهی، ولایت ائمه و ولایت فقیه است امکان‌پذیر می‌باشد و رأی اکثریت در آن در انتخاب و مقبولیت و نه در مشروعیت نظام منشأ اثر است:

در اسلام آنچه ما به عنوان حاکمیت اسلامی شناخته‌ایم و امروز هم بنای کلی این جامعه بر آن قرار دارد، مردم‌سالاری دینی است که با دموکراسی‌های رایج دنیا اختلاف دارد. ریشه مشروعیت رأی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی که ما به دنبال آن هستیم و آن را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به حساب می‌آوریم، متفاوت است.^۳

در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای بر مردم‌سالاری دینی هیچ ارتباطی با غرب ندارد و مفهومی مستقل می‌باشد به طوری که ایشان می‌فرمایند: «مردم‌سالاری دینی دو چیز نیست؛ اینطور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق بکنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم، نه خود این مردم‌سالاری هم متعلق به دین است.»^۴

۱. همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۸/۲۸.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۲/۲۳.

۴. خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی

قبل از انقلاب، تکیه علم و فناوری کشور به طور کامل به غرب بود... صنعتی که وجود داشت، صنعت مونتاژ محض بود، بدون هیچ ابتکاری. بعد از انقلاب، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی به وجود آمد؛ حضور این همه دانشمندان، دانشمندان برجسته و بزرگ، در رشته‌های مختلف مشاهده شد. امروز ما دانشمندانی در داخل کشور داریم که در سطح جهان، شبیه آن‌ها و نظیر آن‌ها قابل شمارش‌اند؛ تعداد معدودی هستند. دانشمندان ما پیش رفتند؛ غالباً هم جوان.^۱

۵. عظمت یافتن ایران در جهان

به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران به قدرت و عزت بالا و چشمگیری دست یافت. این عزت و اقتدار جهانی از دو دیدگاه قابل بررسی و تأمل است. در دیدگاه اول از منظر قدرت‌های استکباری و کشورهای مخالف انقلاب اسلامی ایران، کشور ایران از کشوری ضعیف و بی‌تأثیر در معادلات جهانی، به قدرتی تأثیرگذار در مناسبات و روابط بین‌الملل تبدیل شد و نیز به تصمیم‌گیری‌های جهانی و منطقه‌ای دست یافت. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

قبل از انقلاب، کشور ایران در مسائل جهان، حتی در مسائل منطقه، هیچ تأثیری نداشت؛ یک کشور تحقیر شده‌ای بود؛ هیچ‌گونه تأثیری در مسائل نمی‌توانست بگذارد. بعد از انقلاب، عزت و عظمت این ملت در چشم ملت‌های جهان، تأثیرش در قضایای منطقه، دشمنان را مبهوت کرده؛ دشمنان به اقرار و اعتراف وادار شدند. امروز شما نگاه کنید؛ توی این سایت‌هایی که خبرهای خارجی را می‌آورند، دائم از نفوذ ایران، از تسلط ایران، از حضور ایران در قضایای منطقه ذکر می‌شود؛ حتی با انگیزه‌های مغرضانه، اما اعتراف می‌کنند.^۲

در دیدگاه دوم و با نگرش از منظر مسلمانان و مستضعفان جهان و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش، کشور ایران از دولتی ضعیف و وابسته به امریکا به دولتی عزیز، مستقل و مقتدر در سطح جهان مبدل شده است. حمایت اصولی ایران از مبارزات مردم مسلمان و محروم سراسر جهان در برابر قدرت‌های زورگو و دولت‌های استثمارگر،

۱. همان.

۲. همان.





از منظر آیت الله خامنه‌ای، امام (ره) یک استثنا در تاریخ بود که دست به انقلابی بی نظیر زد، و از این جهت با مصلحان و بیدارگران دیگر تفاوت اساسی داشت. اغلب مصلحان گذشته پرچم دعوت اسلامی را به دوش گرفتند تا بر مبنای آن عقب ماندگی های جهان اسلام را حل نمایند اما امام خمینی از اساس معتقد بود که رهایی مسلمانان از زیر سیطره استعمار، استبداد، فقر و جهل و عقب ماندگی جز با یک انقلاب بزرگ اجتماعی بر مبنای آموزه های اسلامی امکان پذیر نیست

احیای مجدد عظمت و شکوه اسلام پس از قرن ها، اقتدار یافتن مردم مسلمان و مبارز و نیز نهضت های اسلامی، علاقه مندی به مردم مسلمان و آزاده سراسر دنیا به رهبری پیامبر گونه امام خمینی (ره) از جمله عواملی هستند که موجب شده اند، ایران اسلامی، پس از انقلاب به کشوری مقتدر و عزیز در بین مسلمانان جهان شناخته شود.

۶. احیا و پویا شدن فرهنگ اسلامی

فرهنگ که فرایندی از آداب و رسوم، خوی ها و خصلت ها و چگونگی روابط حاکم بر مجموعه ها و گروه های انسانی است ضمن آنکه خود زاینده زندگی اجتماعی

انسان هاست، تأثیر شگرف و غیر قابل تردیدی بر چگونگی و ادامه حیات اجتماعی و ملی ملت ها دارد. همچنین به علت جوی اجتماعی انسان، مراودات و ارتباطات انسانی و به تبع آن روابط فرهنگی و مبادلات فکری نیز به موازات تاریخ تحولات و تمدن بشری وجود داشته است. در این بین، هجوم و شبیخون بر بنیان های فرهنگی، خطرناکترین و کارسازترین حربه ای است که می تواند موجودیت ملت ها، به ویژه ملل اسلامی را تهدید می کند. لذا کشورهای استعماری تلاش می کنند با استفاده از تهاجم به فرهنگ ملل مختلف، حضور همه جانبه ای در کشورهای توسعه نیافته و همزمان با غارت منابع اقتصادی، به تحقیر فرهنگی این جوامع از داخل بپردازند؛ به طوری که به ملت ها تلقین کنند که بدون کمک کشورهای صنعتی ادامه حیات و دسترسی به صنایع پیشرفته محال می باشد و چاره ای جز تقلید محض نیست. اما با پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت تغییر کرد و تلاش در راستای خروج از این «تحقیر» قرار گرفت و لذا انقلاب اسلامی در نوک این حملات ناجوانمردانه و رذیلانه واقع گردیده است؛ در دیگر کشورها نیز متأثر از انقلاب اسلامی، این وضع چندان طول نکشید و بالاخره برخی ملت ها بیدار و متوجه شدند که حضور استعمار چیزی جز فقر و فلاکت برای آن ها به جای نمی گذارد، بر این اساس ملت های جهان اسلام که سال ها در زیر یوغ استعمار مورد استثمار واقع شده بودند، به فکر احیای فرهنگ اسلامی افتادند.



۱. سکandar بیدار کشتی انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، نیز به این رهاورد انقلاب اشاره فرموده و در ادامه بحث خویش، با نگاهی واقع‌بینانه و کلامی صادقانه می‌فرماید:

قبل از انقلاب، در زمینه‌های فرهنگی، ما مقلد محض بودیم، اما بعد از انقلاب، تهاجم فرهنگی به عنوان یک خطر شناخته شد.^۱

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. ورود نسل جدید با ویژگی‌های انقلابی به عرصه منازعات که فهم ریشه‌ای و واقعی تری از علل عقب‌افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خود به ویژه در حوزه فکر و فرهنگ دارند؛

۲. توجه به وحدت دینی و بن‌مایه‌های ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرت‌های خصم و استکبار برای ایجاد گسست در جهان اسلام؛

۳. حوادث بیدارکننده منطقه‌ای و جهانی از جمله بحران فلسطین، حوادث ۱۱ سپتامبر، اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب به محوریت امریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می‌شود؛

۴. رشد و توسعه‌ی وسایل ارتباط جمعی و تکامل شیوه‌های تبلیغ اسلام؛

۵. عدم آزادی سیاسی مسلمانان؛

۶. وخامت اوضاع اقتصادی جهان اسلام؛

۷. افزایش نقش قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران‌های جهانی و منطقه‌ای؛

۸. و از همه مهم‌تر وقوع یک انقلاب بزرگ اجتماعی در یکی از استراتژیک‌ترین حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و ژئوپلتیک جهان یعنی ایران؛

مبین دگرگونی‌های بنیادین در نظام کهنه جهانی می‌باشد. نقش ایران، اندیشه‌های امام خمینی و انقلاب اسلامی در این دگرگونی‌ها غیر قابل انکار است. بازخوانی مؤلفه‌های اساسی این دگرگونی از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی از ضروریات فهم علل تحولات جدید در جهان اسلام، بیداری اسلامی و مسیر آینده تحولات منطقه و جهان است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) را «اسوه» بی‌بدیل این دگرگونی‌ها می‌نگرند که «عمل احسن» برای همه مصلحان و بیدارگران، پیروی از ایشان در عمل و نظر است و رسالت اصلی جهان اسلام تداوم و تعالی راهی است که آغازگرش امام (ره)



بود.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، امام (ره) یک استثنا در تاریخ بود که دست به انقلابی بی‌نظیر زد، و از این جهت با مصلحان و بیدارگران دیگر تفاوت اساسی داشت. اغلب مصلحان گذشته پرچم دعوت اسلامی را به دوش گرفتند تا بر مبنای آن عقب‌ماندگی‌های جهان اسلام را حل نمایند اما امام خمینی از اساس معتقد بود که رهایی مسلمانان از زیر سیطره استعمار، استبداد، فقر و جهل و عقب‌ماندگی جز با یک انقلاب بزرگ اجتماعی بر مبنای آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر نیست. انقلاب اسلامی ایران نقطه عزیمت دگرگونی‌های اجتماعی در دوران اخیر بر مبنای اندیشه‌های امام خمینی است و از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، جریان بیداری اسلامی مدیون انقلاب اسلامی است.

انقلاب اسلامی از دو بعد بر تحولات جهان اسلام و جریان بیداری اسلامی تأثیرگذار است:

۱. از جهت ویژگی‌های انقلاب اسلامی از منظر بیداری اسلامی از جمله: استقامت و ایستادگی، مردم‌باوری، عدالت اجتماعی، استکبارستیزی، نفی استبداد، آزادی خواهی.
۲. از جهت رهاوردهای انقلاب اسلامی از منظر بیداری اسلامی که مواردی مانند: اسلام‌محوری، استقلال سیاسی، مردم‌سالاری، خودباوری علمی و اعتماد به نفس ملی، عظمت یافتن ایران در جهان و بازگشت به فرهنگ اسلامی را در برمی‌گیرد.